

یادگیری با رویکرد ساختار گرایی



این نظریه اشاره بر آن دارد که یادگیرنده دانش را برای خودش و توسط خودش می سازد هر فراگیر گاه به طور جمعی و گاه به صورت انفرادی معانی را می سازد. او یاد می گیرد که ایجاد معانی همان یادگیری است و نمیتوان این یادگیری را به روش دیگر به دست آورد. توجه به این نظریه دو دیدگاه را حاصل است:

۱) ما مجبوریم بر روی فراگیر در افکار وی پیرامون یادگیری متمرکز شویم نه روی موضوع و مبحث تدریس

۲) هیچ دانشی سوای از تجارب فراگیر وجود ندارد (دانش به وسیله یادگیرنده یا اشتراک معانی توسط فراگیران ساخته شده است.)

می توان گفت نکته دوم مهمتر و مقدم تر است. زیرا به رغم اینکه آن ظهوری آشکار تر دارد اما موقعیتی است که به وسیله خود افراد به منظور تعمق دانش به کار می رود. اگر ما نظریه ساختار گرا را پذیرا باشیم. به این معنا که ما این روش را از دیگر روشها انتخاب کنیم. بنابراین مجبور خواهیم بود از دیدگاههای افلاطونی و همه دیدگاههای واقع بینانه دیگر دانش شناسی دست بکشیم.

● الگوی تدریس ساختار گرایی

- ۱) انسانها می توانند هر چیزی را بیاموزند به شرط آنکه بتوانند آنها را در ذهن خود معنا دار سازند.
 - ۲) ساخت گرایان می گویند ذهن اساس و ابزار تعبیر و تفسیر رخدادها. اشیا و چشم اندازه های جهانی است.
 - ۳) یادگیرندگان به کمک معلم اندیشه های خود را پیراسته می کنند و مهارتهایشان را بهبود می بخشند.
 - ۴) انسانها بر اساس ساخته ای ذهنی خود که باورها. اعتقادات و دانش آنها را در بر می گیرد به تفسیر هستی می پردازند.
 - ۵) ساخت گرایان بر این باورند که واقعیت به مفاهیمی گفته می شوند که شخص آنها را از جهان ساخته است.
- در تدریس باید تاکید بر تعامل بین یادگیرنده و آینده او باشد نه بر ایجاد کنش و واکنش بین یادگیرنده و گذشته بزرگسالان. خرد و استدلال بزرگسالی آینده شناسی خوبی برای رشد و تعالی یادگیری بنا نمی نهد.

یادگیرندگان اطلاعات را در زمینه تجارب خود تفسیر می کنند. تفسیر آنان هر چه باشد مسیری فرد گرایانه است. لازم به یادآوری است که مواد آموزشی که معلم به صورت عینی برای یادگیری طراحی می کند دانش آموزان آنها را در قالب تجارب و دانسته های خود تفسیر خواهند کرد و متناسب با نیاز زمینه ها و علاقه شخصی به ساختن معنای ویژه خواهند پرداخت.

ساخت گرایان توصیه می کنند که به جای تلاش برای مجسم کردن ساختی از یک واقعیت بیرونی برای یادگیرندگان باید به آنها کمک کرد تا خود به تجسم معناداری از دنیای بیرونی دست یابند.

● مراحل اجرای الگوی تدریس ساخت گرایی

الگوی تدریس ساخت گرایی دارای چهار مرحله اساسی است. مراحل مورد نظر عبارتند از : کاوش . تشریح . گسترش . ارزشیابی.

۱) کاوش: منظور از کاوش در نظام ساخت گرایی جستجوی راههایی برای دانش سازی است . یادگیرنده با استفاده از همه حواس خور برای ساخت دانش تلاش می کند . بخشی از دانش سازی در طی فرایند کاوش صورت می گیرد. کاوشگری از طریق همیاری بیشترین سودمندی را در بر دارد. بنابراین توصیه می شود همیاری را در فعالیتهای کاوشگری تشویق کنید و دانش آموزان را برای طرح سوال و پاسخگویی به سوالهای طرح شده راغب سازید.

۲) تشریح: در این مرحله معلمان با دانش آموزان به تعامل می پردازند تا دیدگاههایی را که عرضه می شود دریابند . معلمان باید برای برقراری تعاملی اثر گذار به طرح سوالهای مربوط و متناسب با مرحله نخست پردازند. وظیفه دیگر معلمان این است که یادگیرندگان را یاری کنند تا باور ها و اندیشه هایی را که از طریق کاوش شکل داده اند با دیگران در میان بگذارند . به دیگر سخن فراگیران باید دیگران را در یافته های خود سهیم کنند.

۳) گسترش: معلمان در این مرحله به دانش آموزان کمک می کنند تا به گسترش فعالیتهای ذهنی و حرکتی یا مهارتهای خود پردازند . یادگیرندگان به کمک معلم اندیشه های خود را پیراسته می کنند و مهارتهایشان را بهبود می بخشند. معلم در این مرحله به ارائه دانش می پردازد تا اندیشه های فراگیران پر بار شود و مهارتهای آنان فزونی یابد.

۴) ارزشیابی: معلم باید یافته های دانشی و مهارتهای اکتسابی و کیفی سازی دانش آموزان را بیازماید تا از تغییرات به وجود آمده در تفکرات و میزان تسلط بر مهارتها آگاهی یابد و بازخوردی هم به فراگیران عرضه کند . بهتر است در سنجش آموخته ها و تولیدات دانش یادگیرندگان از سوالات تفکر بر انگیز استفاده شود . افزون بر این دانش آموزان باید به مرحله ارزشیابی نیز هدایت گردند.

● نتیجه گیری

به طور خلاصه ساختار گرایی الگویی است که به قصد توصیف یادگیری ایجاد شده است . این الگو بیان می دارد که:

۱) دانش آموزان در هنگامی که فرایند یادگیری فعال باشد یاد می گیرند.

۲) فرایند یادگیری فرایند درک و فهم است . یادگیری از طریق انتقال صورت نمی گیرد بلکه از طریق تفسیر یافته ها انجام میشود.

۳) تفسیر یافته ها همیشه تحت تاثیر دانش پیشین قرار دارد.

۴) تفسیر یافته ها از طریق روش های آموزشی که دانش آموزان را به مباحثه در مورد نظریات یکدیگر وادار می کند پشتیبانی می شود.

بر حسب دیدگاه های متفاوتی که در مورد ساختار گرایی وجود دارد بعضی از مربیان فقط به استفاده از این الگو به مثابه یکی از مبانی و اصول بهبود روش های تدریس بسنده می کنند و بعضی دیگر همچون گلاسترفلد برای آن حیطه ای بسیار گسترده قایلند . او می گوید : در ساختار گرایی نکات و مسائلی اساسی و بنیادین درباره معرفت شناسی و هستی شناسی وجود دارد . با آن که می توان از این الگو در عمل استفاده کرد فکر نمی کنم که بدون در نظر گرفتن چار چوب فلسفی پشتیبان آن بتوان از تمام توان آن بهره گرفت